

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»
تنظیم و ویرایش: پورتال

بحر طوفانی

در زمان بیدادگریهای تنظیمی سروده شده است

ای جنون حیوانی، وی هوای نفسانی
این گروه درویشان، ظالم اند و بدکیشان
می‌کشند انسان را، می‌درند حیوان را
مرد باردا و ریش، زن به گور و در تشویش
قطع دست و پا کردن، فسق بر ملا کردن
ای فلک ز تو فریاد، ملک شد ستم ایجاد
زیر خرقة سالوس، خُده و فریب افسوس
ناخدا خدا گویان، کج روان و کجپویان
باغ بی سرانجام است، جلوه طرب نام است
در چمن نمی یابم بزم عیش و گلپیزی
عندلیب و موسیقار، بسته لب ز موسیقی
یاسمن پر از گرد است، روی نسترن زرد است
چند نفس سرکش را می‌گشی و می‌رانی
رم کنند از ایشان، بندگان سبحانی
با قیاس حیوانی در لباس انسانی
نی بنای اسلامی ست، نی نصاب قرآنی
سجده ریا کردن، با قبای روحانی
آب و خاک هم برباد، با هزار قربانی
وا ازین خداجوئی، وا ازین مسلمانی
رفته از کفش سگان، بحر گشته طوفانی
صبح نیست این شام است، وه چه شام ظلمانی
مرغ را نمی بینم در نوا و خوشخوانی
تاردا و عمّامه، می‌کند سخنرانی
هرچه هست پردرد است، هرچه هست ویرانی

رهروان این منزل، تا کمر فرو در گِل صد دل اند و بایک دل، صد هزار حیرانی
تنگ چشمی زاهد می نبیند آدم را غیر قاصر و خاسر، غیر عاصی و زانی
خلوت است «اسیر» امشب باده ای به ساغر کن
ورنه غم نخواهد رفت از دلت به آسانی

(بُن - المان، می ۱۹۹۵ ع)